

الحمد لله رب العالمين

١٤٣٧



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

عنوان:

مسئولیت صدام و سران حزب بعث در جنگ ایران و عراق

استاد راهنما:

دکتر جمشید ممتاز

استاد مشاور:

دکتر امیر حسین رنجبریان

دانشجو:

روح اله رهامی

نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴

۱۴۳۶۹۹

کتابخانه اساتید دانشگاه تهران
تاسیس ۱۳۰۲

۱۴۸۹/۲/۲۵

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَمِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ وَ مِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ

خُبْرًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا»

تلاش حاضر را تقدیم می‌کنم به:

روان مطهر شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، جانبازان و

آزادگان سرافراز میهن اسلامی.

پدر و مادرم که هر چه هستم و هر چه دارم از آن دو بزرگوار

است.

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴.....	فصل اول) مسئولیت کیفری صدام و سران حزب بعث
۴.....	بخش ۱) اصل مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل
۴.....	گفتار ۱) مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل
۱۸.....	بند ۱) عناصر اصل مسئولیت کیفری فردی
۲۲.....	بند ۲) مسئولیت آمر
۲۸.....	بند ۳) مسئولیت ناشی از «کمک کردن» و «تشویق کردن»
۳۰.....	گفتار ۲) نحوه عمل محاکم اختصاصی و دیوان کیفری بین‌المللی
۳۷.....	بخش ۲) بررسی اساسنامه و استقرار دادگاه ویژه عراقی
۳۷.....	گفتار ۱) استقرار دادگاه
۴۲.....	گفتار ۲) صلاحیت
۴۴.....	گفتار ۳) استقلال و بیطرفی
۵۱.....	گفتار ۴) مشروعیت
۵۱.....	بند ۱) مشروعیت استقرار
۵۵.....	بند ۲) بررسی مسائل مشروعیت در اساسنامه
۵۹.....	بند ۳) مسائل ماهوی در مورد مشروعیت
۶۹.....	گفتار ۵) مسائل مربوط به شیوه دادرسی و مدارک
۶۹.....	بند ۱) مقدمه
۷۰.....	بند ۲) قضات تحقیق
۷۱.....	بند ۳) دادستان‌ها
۷۳.....	فصل دوم) جرایم ارتكابی توسط صدام و سران حزب بعث
۷۷.....	بخش ۱) تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران

- گفتار ۱) تجاوز ۷۷
- بند ۱) رویکردهای متفاوت در خصوص تعریف تجاوز ۷۷
- بند ۲) مفهوم تجاوز بر مبنای میثاق جامعه ملل ۷۹
- بند ۳) مفهوم تجاوز خارج از جامعه ملل ۸۱
- بند ۴) مفهوم تجاوز پس از جنگ جهانی دوم ۸۵
- بند ۵) کوشش برای تعریف تجاوز در سازمان ملل متحد ۸۷
- کنفرانس سانفرانسیسکو و مسأله تعریف تجاوز در تدوین منشور ملل متحد ۸۷
- بند ۶) تشکیل کمیته‌های ویژه برای تعریف تجاوز ۹۰
- بند ۷) قطعنامه تعریف تجاوز ۹۳
- بند ۸) قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری ۱۰۰
- بند ۹) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۰۲
- گفتار ۲) تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران ۱۰۲
- پیشینه و بررسی حقوقی عهدنامه‌های مرزی و بررسی ادعاهای عراق ۱۰۴
- ۱) عهدنامه ۱۹۷۵ ۱۰۵
- ۲) بررسی اعلامیه الجزایر ۱۰۷
- ۳) بررسی حقوقی ادعاهای عراق در تجاوز به ایران ۱۰۹
- بخش ۲) نقض حقوق بشر دوستانه ۱۲۳
- بند ۱) کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه افراد نظامی و غیر نظامی ایران ۱۲۳
- ۱) اثبات مدعا ۱۲۳
- الف - اعتراف عراق به کاربرد سلاح‌های شیمیایی ۱۲۳
- ب - اظهارات دیگر دولت‌ها ۱۲۵
- ج - گزارش‌های کارشناسان سازمان ملل متحد ۱۲۶
- ۲) مصونیت افراد نظامی و غیر نظامی در مقابل کاربرد سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک ۱۲۷
- الف - ممنوعیت کاربرد سلاح‌های ممنوع علیه رزمندگان ۱۲۸

- ب - ممنوعیت کاربرد سلاح‌های ممنوع علیه غیر نظامیان ۱۳۱
- ۳) استفاده علیه غیر نظامیان ۱۳۴
- ۴) اقدامات سازمان ملل ۱۳۸
- بند ۲) اسیران جنگی ۱۴۵
- ۱) قواعد ناظر بر حسن رفتار با اسیران جنگی ۱۴۷
- ۲) نقض قوانین بشر دوستانه در مورد اسیران جنگی ایران ۱۴۹
- بند ۳) ارتقاء و بهبود وضع بیماران و مجروحان و مغروران ۱۵۸
- بند ۴) بمباران مکانهای غیر نظامی ۱۵۹
- ۱) محدودیت‌های حقوقی بمباران مناطق نظامی و غیر نظامی ۱۵۹
- ۲) بمباران مکان‌های غیر نظامی ایران توسط ارتش عراق ۱۶۲
- بند ۵) تخریب و غارت اموال عمومی و خصوصی ایرانیان ۱۶۴
- ۱- حفظ اموال عمومی و دولتی در زمان جنگ و اشغال ۱۶۴
- ۲- غارت شهرها و مراکز اقتصادی ایران توسط ارتش عراق ۱۶۸
- بند ۶) آلودگی زیست محیطی منطقه ۱۷۰
- بند ۷) اخراج، قتل و اذیت و آزار اتباع ایرانی ۱۷۱
- بند ۸) بدرقتاری با مردم سرزمین‌های اشغال شده ۱۷۱
- نتیجه‌گیری ۱۷۳
- منابع و مأخذ ۱۷۵

مقدمه

پایان نامه حاضر به موضوع مسئولیت کیفری صدام و سران حزب بعث می‌پردازد. صدام حسین دیکتاتور پیشین عراق پس از کودتای نظامی در درون حزب بعث به قدرت رسید. در دوران حکومت استبدادی وی در عراق هر گونه فعالیت سیاسی مستقل به شدت سرکوب می‌شد و اقدام به قتل و شکنجه مخالفان سیاسی خود می‌نمود. صدام حسین در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله‌ای همه‌جانبه را علیه خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود که این حمله و مقاومت ایران در برابر آن باعث بوجود آمدن طولانی مدت‌ترین جنگ بین المللی قرن بیستم گردید. در طی این جنگ هشت ساله ارتش عراق با استفاده از تمامی روش‌های مغایر با حقوق بین‌الملل از جمله عدم رعایت تفکیک میان اماکن نظامی و غیر نظامی، بدرفتاری با اسیران، استفاده از سلاح‌های شیمیایی، بدرفتاری با غیر نظامیان سعی در تثبیت اشغال نظامی ایران داشتند. با مقاومت قوای نظامی و نیروهای مردمی ایران و به دنبال پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد توسط ایران جنگ هشت‌ساله خاتمه یافت اما آثار و عواقب وخیم این جنگ تا سالها و تا نسل‌ها دامنگیر مردم هر دو کشور گردید. پس از آنکه رژیم بعثی عراق از اشغال نظامی ایران طرفی نبست، طی یک حمله نظامی به کشور کویت این کشور را تحت اشغال نظامی خود درآورد و در مدت این اشغال به قتل و غارت و صدمه به غیر نظامیان پرداخت.

اما رژیم بعثی عراق از حمله به متحد سابق خویش یعنی کویت هم طرفی نبست و بدست نیروهای متحد به سرکردگی آمریکا از خاک کویت بیرون رانده شد. رژیم بعثی عراق به دلیل ماهیت دیکتاتوری خود هرگز رفتار مسالمت‌آمیزی با اتباع کشور عراق نداشت و در خلال سالهای ۱۹۶۸

- ۲۰۰۳ همواره آنان را به مثابه دشمن خویش می‌پنداشته‌است. از جمله این اقدامات کشتار غیر نظامیان در شهر حلبچه به وسیله سلاح‌های شیمیایی، کشتارهای وسیع اکراد موسوم به «انفال»، کشتار وسیع شیعیان بصره، کربلا و نجف در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ و کشتار افراد قبیله بارزانی و طالبانی می‌باشد.

در نتیجه این اقدامات و با استناد به ادعای پنهان نمودن سلاحهای کشتار جمعی، نیروهای نظامی به ریاست امریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله نمودند و با اشغال نظامی این کشور، رژیم بعثی عراق را سرنگون کردند. صرفنظر از مسأله مشروعیت در مورد این اشغال نظامی، این اشغال و متعاقب آن دستگیری صدام و سایر سران رژیم بعثی، افق جدیدی را گشود که همانا محاکمه صدام و دیگر سران رژیم بعثی بود. این خواسته که همانا خواسته خود مردم عراق که سالها زیر فشار استبدادی این رژیم قرار داشتند، مردم کشور ایران و کویت که متحمل خسارت‌های فراوانی از تجاوز عراق به خاک کشورشان بودند و تمامی عدالت طلبان و آزادیخواهان دنیا بود به وسیله تأسیس دادگاه ویژه عراقی محقق شد و اثباتی بود بر این مدعای مردم و دولت ایران که «صلح پایدار بدون اجرای عدالت میسر نیست».

این پایان‌نامه ابتدا به توضیح و بررسی اصل مسئولیت کیفری در عرصه بین‌المللی می‌پردازد و مبانی صلاحیتی دادگاه رسیدگی کننده به جرایم صدام و سران حزب بعث را با توجه به مبانی مشروعیتی دادگاه و نحوه استقرار آن و با ملاحظه مبانی مشروعیت در اساسنامه دادگاه بررسی می‌کند.

و سپس پیشنهادات خود را در هر زمینه برای رفع نواقص و یا ایرادات مربوط به اساسنامه بیان

می‌کند. در فصل دوم پایان‌نامه به بررسی جرایم ارتكابی صدام و سران حزب بعث در جنگ ایران و عراق می‌پردازد. قطعاً مهمترین جرم این افراد تجاوز به خاک جمهوری اسلامی می‌باشد که خلاف موازین بین‌المللی است. در طی سالهای این جنگ هشت ساله ارتش عراق از هیچ اقدامی برای ضربه زدن به مردم و کشور ایران فروگذار نکرد که مطابق حقوق بشر دوستانه این اقدامات موجب مسئولیت کیفری صدام و سران حزب بعث است. که در این زمینه اقدامات دولت عراق در نقض حقوق بشر دوستانه ذکر شده‌است.

پایان‌نامه حاضر سعی دارد با بررسی اجمالی مسئولیت کیفری صدام و سران حزب بعث به دو پرسش مهم پاسخ دهد: ۱- صدام و سران حزب بعث چگونه و بر چه اساسی طبق حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی کیفری دارند.

۲- ارتكابی صدام و سران حزب بعث در رابطه جنگ ایران و عراق چه جرایمی مرتکب شده‌اند.

فصل ۱) مسئولیت کیفری صدام و سران حزب بعث

بخش ۱) اصل مسئولیت کیفری در حقوق بین الملل

گفتار ۱) مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین الملل

اولین نمونه از یک دادگاه بین المللی مربوط به جرایم جنگی در بربساک (Breisach) کشور آلمان برگزار شد که در آن بیست و هفت قاضی از قضات امپراطوری رم در مورد پیتروان هان کنیک برای نقض «قانون خدا و انسان» قضاوت کردند. چرا که او به سربازان خویش اجازه داده بود که به تجاوز، قتل و غارت دست بزنند. او به همین دلیل به مرگ محکوم شد و اعدام گردید. بسیار رایج بوده است کسانی که برای انجام چنین جرایمی در رابطه با مخاصمات مسلحانه در مقابل دادگاه های ملی حاضر شده اند نظیر دادگاه Chivarly در سالهای انتهایی قرون وسطی.^۱

در حقیقت قوانین مربوط جنگ از زمان های قدیم باقی مانده اند و بر دو پایه اصلی استوار هستند: اصل تفکیک و اصل منع رنج بیهوده بر مبنای اصل اول قوای نظامی باید میان اهداف نظامی و غیر نظامی تفکیک قائل شوند و مغلوب نمایند. بر مبنای اصل دوم باید ملاحظات انسانی را در نظر داشت و به مورد قوای نظامی دشمن رنج بیهوده وارد نمود و از اقدامات غیر ضروری اجتناب کرد.

همانگونه در این زمینه بسیار شرح و توضیح داده شده است، حقوق مربوط به جنگ بسیار گسترده شده است و جزئیات در آن لحاظ شده است تا میان این دو اصل تعادل برقرار شود. این مقررات برای افراد حمایت های ویژه ای را هنگامی که آنان خلع سلاح می کردند یا اسیر می شوند

1-War Crimes.The law of War.Arey Neier.Times Books,1998,Newyork,P12

مقرر می‌دارد و همچنین کشتن یا مجروح کردن آنان را هنگامیکه آنان اسیر شدند به دلیل آنکه آنان زخمی یا ناتوان گردیده‌اند ممنوع می‌گرداند چرا که هدف تسلیم دشمن است نه از پای در آوردن دشمن.

همچنین سلاح‌های مشخصی نظیر گازهای سمی نباید در جنگ استفاده شوند. همچنین جنگ‌های بدون هدف مشخص و یا با حملات وسیع، کشتن افراد با زجر و سختی، توقیف فرد به عنوان گروگان و یا خراب کردن مکان‌های فرهنگی و یا عبادتگاه‌های طرف مقابل را ممنوع می‌گرداند. افراد نظامی و غیر نظامی به یک صورت در مقابل مجازات‌های جزایی حمایت می‌شوند. مگر آنکه آنان طبق یک روند قضایی محاکمه و محکوم شده باشند.

در تاریخ هرودوت در جائیکه وی کشتن فرستادگان (پیک‌های) ایرانیان در اسپارتا (Sparta) را ذکر می‌کند، «هرودوت (Herodotus)» آورده است که چنین قوانینی به وسیله ایرانیان و یونانیان باستان به رسمیت شناخته شده بوده است.

ارزش‌های مشابهی در قوانین اقوام باستانی دیگر نیز وجود داشته است و بعدها در نوشته‌های نویسندگان مذهبی مسیحی نظیر سنت آگوستین و سنت توماس آکویناس و در قوانین Chivalry نیز حمله علیه افراد بیمار یا مجروح یا زنان و یا اطفال ممنوع گشته بود.

و بعدها به طور کامل به وسیله هوگو گروسویوس، که به عنوان پدر حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود، تدوین گردید.

با توجه به نیاز گسترده‌ای که در قرن بیستم برای وجود مسئولیت کیفری فردی وجود داشت صرفنظر از اقداماتی که پس از جنگ جهانی اول انجام شد و صرفنظر از اقدامات داخلی و ملی،

اولین اقدام اساسی که به‌طور عملی در زمینه شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در سطح بین‌المللی به عمل آمد در منشور لندن و اساسنامه دادگاه بین‌المللی نورنبرگ متجلی شده که بعدها با اعمال مسئولیت و مجازات‌ها در آراء این دادگاه مسئولیت فردی در صحنه بین‌المللی جنبه عینی به‌خود گرفت. در ماده ۱ منشور لندن به تشکیل دادگاهی برای محاکمه جنایتکاران چه به عنوان افراد منفرد یا به عنوان اعضای سازمان‌ها و گروه‌ها اشاره شده‌است. در ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ صریحاً به مجازات «اشخاص» و «مسئولیت فردی» برای جنایات بین‌المللی اشاره شده است. از سوی دیگر عامل دیگری که مانع اساسی در جهت شناسایی مسئولیت کیفری فردی تلقی می‌شد، مصونیت کارگزاران دولت بود که با استناد به حاکمیت و مصونیت دولت و نظریه «عمل دولت» ایشان را قابل تعقیب نمی‌دانستند.^۱

منشأ مسئولیت کیفری سران و کارگزاران دولت‌ها نیز همان اساسنامه دادگاه نورنبرگ می‌باشد که علاوه بر مواد فوق‌الذکر در ماده ۷ صریحاً مقرر می‌دارد که «سمت رسمی متهمان خواه به عنوان سران دولت یا مأموران مسئول در بخش‌های حکومتی، عامل رافع مسئولیت یا تخفیف دهنده مجازات تلقی نخواهد شد» این رویه در حقوق بین‌الملل پیگیری شد برای نمونه کنوانسیون ۱۹۴۸ منع ژنوساید تصریح می‌دارد، «با پذیرفتن اصل تقصیرپذیری فرد و رد اعمال نظریه «عمل دولت» مبنای مجازات را بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی متکی ساخته است» در حقیقت کنوانسیون

1 - بر طبق این نظریه، مسئولیت اعمالی که دستگاه‌های دولتی مرتکب می‌شوند فقط به دولت مرتکب می‌شوند فقط به دولت قابل استناد است. در نتیجه اشخاص حقیقی که به نام دولت به این اعمال مبادرت می‌ورزند، مبری از مسئولیت به شمار می‌روند جایگاه این نظریه امروزه با واقع‌نگری و گسترش حقوق بین‌الملل کیفری تغییر یافته است.

۱۹۴۸ منع ژنوساید نیز در این زمینه از همان اصولی پیروی نمود که اساسنامه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو پیروی نموده بود.

در ماده ۶ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۵ اساسنامه دادگاه بین‌المللی برای روندا آمده است، این دیوان بین‌المللی نسبت به اشخاص طبیعی (حقیقی) بر طبق مندرجات این اساسنامه صلاحیت محاکمه خواهد داشت» و ماده ۷ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه روندا تحت عنوان «مسئولیت کیفری فردی» به مسئولیت کیفری هر شخص که مباشر یا معاون جنایات مندرج در این اساسنامه‌ها باشد اشاره می‌کند و در بند دوم سمت رسمی را رافع مسئولیت یا تخفیف دهنده مجازات نمی‌داند. ماده ۳ طرح کد جنایات علیه صلح و امنیت بشری نیز مسئولیت شخصی و فردی را مقرر می‌داند. کمیسیون حقوق بین‌الملل در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز با توجه به آراء دادگاه نورنبرگ و دیگر دادگاه‌های بین‌المللی اصل مسئولیت کیفری فردی را مدنظر قرار داد و در صدر ماده ۲۵ اساسنامه به اعمال صلاحیت بر «اشخاص» اشاره نمود.^۱

با توجه به موارد فوق امروزه این اصل که اشخاص در صحنه بین‌المللی دارای مسئولیت کیفری هستند به هیچ وجه قابل تردید نیست و در مورد مسئولیت انفرادی هر شخصی در بر قضیه باید تصریح نمود اینکه حقوق بین‌المللی مسئولیت کیفری ایجاد می‌کند یا نه به این ملاحظات بستگی دارد که آیا قاعده منع کننده مورد بحث که ممکن است قراردادی یا عرفی باشد متوجه اشخاص، دولت‌ها، گروه‌ها یا دیگر مقامات و یا همه آنهاست. میزانی که این ممنوعیت‌ها متوجه

1 - UN.Doc. A/49/10. P 35.

اشخاص هستند، وضوح آنها، شدت عمل و منافع جامعه بین‌المللی همه عواملی هستند که در تعیین مجرمیت اعمال مختلف دخیل هستند.

اینکه تعهدی متوجه دولت‌ها است - اگر بوضوح اشخاص باید آنرا انجام دهند - مسئولیت کیفری شخصی را از بین نمی‌برد. از اینرو دادگاه نورنبرگ مقررات کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و کنوانسیون چهارم لاهه را که متوجه «متخصصان» یا «اشغالگر»، «یک ارتش اشغالی» بودند نه تنها بر آلمان بلکه بر اشخاص نیز الزام‌آور دانست.^۱

حقوق بین‌الملل که تعهدات بین‌المللی متعددی را برای حمایت از افراد در نظر می‌گیرد، تعهداتی را هم از افراد می‌خواهد. در واقع، در نظام حقوقی بین‌المللی موقعیت‌هایی هست که مسئولیت «فرد» به طور مستقیم مطرح می‌شود. این مسئولیت فردی، امکان محاکمه و مجازات افرادی را فراهم می‌کند که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند.^۲

با ملاحظه ممنوعیت مقابله به مثل در حقوق بین‌الملل بشردوستانه که اقتضای رعایت آن را به طور مطلق یعنی در همه حال و بدون شرط عمل متقابل دارد، کیفر دادن کسانی که از قواعد بشردوستانه تخلف می‌کنند، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌آید.^۳ زیرا برای اجرای مؤثر این قواعد لازم است تا هر فردی که به هر نحو در مخاصمه مسلحانه شرکت می‌کند، این قواعد و

1 - پدیده‌ی مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌المللی و حقوق کیفری ایران. صادق سلیمی، انتشارات خیام، ۱۳۷۶.

2. Bassiouni, M, Cherif Crimes against tllumanity in International criminal Law (Dordrecht , Boston, London: Martinus Nijhoff publishers, 1992) pp. 195-6.

3 - S. E. Nahlik, "Precis abrege de droit international humanitaire", Extraits de la RICR, juilletaout 1984, p. 42.

خصوصیات آن را بشناسد و بداند که تخطی از آن مسئولیت کیفری در پی خواهد داشت.^۱ به قول یکی از حقوق دانان، مفهوم مسئولیت فردی موجب می شود تا هر فرد درگیر در مخاصمه مسلحانه آگاه به مسئولیت خود بار بیاید، مسئولیت از اعمالی که شخص خودش انجام می دهد.^۲

بنابراین، حقوق بین الملل بشردوستانه در کنار قواعد نظارت و کنترل مربوط به دولت ها، برای اجرای مؤثر این حقوق، قاعده ای کلی را وضع می کند که طبق آن هر فرد مرتکب تخلف از مقررات بشردوستانه مسئول آن تخلف است و مستوجب مجازات که حکم آن را حسب مورد دادگاهی ملی یا مرجع قضایی بین المللی اعلام می کند.^۳ صاحب نظران نیز کم و بیش تأیید می کنند که محاکمه و کیفر افراد مسئول نقض حقوق بین الملل بشردوستانه، روشی مناسب برای تضمین بهتر اجرای این حقوق است.^۴ بر همین اساس، روند تحولات به گونه ای پیش رفت که مفهوم مسئولیت کیفری و لوازم و آثار حقوقی آن در مورد مخاصمات مسلحانه داخلی هم پذیرفته شد. یعنی تخلف از حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی نیز «جنایات جنگی» به حساب آمد و در سطح بین المللی موضوع تعقیب و محاکمه افرادی که علاوه بر مخاصمات بین المللی در مخاصمات داخلی مرتکب جنایت جنگی شده اند، به صورتی بی سابقه و گسترده مطرح شد. تا جایی که بی سزا ماندن اعمال کسانی که به طور منظم و برنامه دار مرتکب نقض شدید حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی شده اند، تهدیدی بر صلح و امنیت بین المللی تلقی شد و شورای امنیت را به

1 - R. Wolfrum, "Enforcement of International Humanitarian Law", The Handbook of Humanitarian Law in Armed conflicts, D. Feleck (dir. Publ.), Oxford University Press, 1995, p. 524.

2 - P. Weckel, "L'institution d'un tribunal la repression de crimes de droit humanitaire en Yougoslavie", AFDI, 1993, p. 237.

3 - A-M. La Rosa, Dictionnaire de droit international penal. PUF, Paris, 1998, p. 93.

4 - A. Cassese, "On the Current Trends towards Criminal Prosecution and Punishment of Breaches of International Humanitarian Law", EJIL, 1998, p. 4.

صحنه اجرای حقوق بشردوستانه وارد کرد. این تحول از آن جهت ژرف و مهم است که تا همین سال‌های اخیر مسئولیت کیفری از نقض مقررات بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی اساساً نفی می‌شد و فرض بر این بود که حقوق بین‌الملل چنین مسئولیتی را نمی‌شناسد. این تحول نشان داد که سکوت متن معاهدات در این زمینه به خودی خود نافی مسئولیت کیفری نمی‌توانست بود و تخلف شدید از حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی نیز می‌باید «جنایت جنگی» محسوب شده و عاملان آن به لحاظ بین‌المللی تحت تعقیب قرار بگیرند.^۱

مفهوم جنایت جنگی در برخوردهای مسلحانه معنای خاصی دارد و منظور از آن نقض قاعده‌ای از حقوق مخاصمات مسلحانه اعم از داخلی یا بین‌المللی است که شخص متهم به نقض این قاعده بر اساس اصل صلاحیت جهانی قابل پیگرد قانونی در جامعه بین‌المللی است و تمام محاکمه قضایی دولت‌ها، فارغ از اینکه این جنایت در سرزمین آنها اتفاق افتاده باشد یا نه و یا متهم تبعه این دولت باشد، یا نباشد و قربانی تابعیت این دولت را داشته باشد، یا نداشته باشد نسبت به رسیدگی اینگونه جنایات صالحند. ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اینگونه جنایات جنگی را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

دسته اول: آن دسته از جنایات جنگی است که توسط کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹

احصاء شده‌اند و نقض فاحش این کنوانسیون‌ها جنایت جنگی تلقی می‌شود.

دسته دوم: نقض فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل عمومی یعنی حقوق.

درگیریهای مسلحانه می‌باشد. مبنای این جنایات صرفاً عرفی است، هر چند که کنوانسیون‌های

1 - حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، دکتر جمشید ممتاز و دکتر امیرحسین رنجبریان، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص

۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، برخی از این جنایات را تدوین نموده است.

البته در اینجا مجال پرداختن به ۲۲ مورد جنایات احصاء شده در کنوانسیون ۱۹۰۷ نمی‌باشد و صرفاً به بیان این موضوع اکتفا می‌شود که این جنایات معمولاً در ارتباط با نقض اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی، نادیده گرفتن اصل تناسب بین ابزارهای مورد استفاده، هدف و ضرورت نظامی و نهایتاً سلاح‌های ممنوعه را نیز شامل می‌شود.

دسته سوم: جنایاتی که در درگیری‌های غیر بین‌المللی واقع، و توسط ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ احصاء شده است.

دسته چهارم: قواعدی هستند که در پروتکل شماره دوم الحاقی به چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ احصاء شده‌اند و در این اساسنامه نقض برخی از این قواعد جنایت جنگی تلقی می‌شود. این پدیده بسیار مهمی در حقوق درگیری‌های مسلحانه می‌باشد، چرا که پروتکل شماره دو به هیچ وجه ترتیباتی برای محاکمه و مجازات اشخاصی که متهم به نقض موارد منظور شده در آن باشند اتخاذ نکرده بود و این تفاوت پروتکل شماره ۲ و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است. در این میان ویژگی بارز اساسنامه رم آن است که در آن، موارد نقض پروتکل دوم الحاقی، جنایت جنگی تلقی می‌شود و مستحق مجازات می‌باشد.^۱

۱- مسئولیت کیفری فردی در قطعنامه‌های شورای امنیت

استناد شورای امنیت به فصل هفتم منشور، به رکن نگهبان صلح و امنیت بین‌المللی امکان داد تا از اختیارات خود به مقاصد انسان دوستانه بهره بگیرد. در میان اقدامات متنوع شورا در این زمینه،

۱ - دیوان کیفری بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران. به اهتمام اسحاق آل حبیب. سخنرانی جناب آقای دکتر ممتاز. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. تهران ۱۳۷۸، ص ۲۶.

تذکرات پیاپی به طرف‌های درگیر مخاصمات داخلی و بین‌المللی درباره مسئولیت کیفری فردی متخلفان و اعلام محکومیت مکرر هر گونه تخلف از حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حین این مخاصمات، ارزشی خاص دارد.

در ۱۳ اوت ۱۹۹۲، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۷۷۱ به اتفاق آراء، از دولت‌ها و سازمان‌های نوع پروری می‌خواهد که به جمع‌آوری اطلاعات درباره موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سرزمین یوگوسلاوی سابق پردازند. در این قطعنامه، بدون اشاره به ماهیت مخاصمات مسلحانه‌ای که از چند ماه پیش در خاک یوگوسلاوی سابق درگرفته بود، شورا اعلام کرد که هر گونه نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه موجب مسئولیت کیفری فردی شخص مرتکب می‌شود. در پی همین قطعنامه بود که شورا کار بررسی اطلاعات گردآوری شده را دنبال کرد و با تصویب قطعنامه ۷۸۰ در ۶ اکتبر ۱۹۹۲ از دبیر کل خواست تا با تشکیل کمیسیون کارشناسان، تحقیقات ادامه یابد. پس از آن، شورا با تصویب قطعنامه ۷۸۷ در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۲ بار دیگر به طرف‌های درگیر در مخاصمات یوگوسلاوی سابق یادآوری کرد، کسانی که مرتکب این اعمال می‌شوند یا امر به ارتکاب چنین اعمالی می‌کنند، مسئول رفتار خود خواهند بود. در همین قطعنامه، شورا اقدام به پاکسازی قومی در بوسنی را به شدت محکوم می‌کند.^۱

اندکی بعد، شورا با تصویب قطعنامه ۷۹۴ در ۳ دسامبر ۱۹۹۲، این بار به مناسبت مخاصمه مسلحانه بین گروه‌های درگیر در سومالی، با ابراز نگرانی شدید از نقض مداوم و گسترده حقوق

1 - فهرست قطعنامه‌های شورای امنیت مربوط به مخاصمات مسلحانه در یوگوسلاوی سابق بسیار بلند است. در بیشتر این قطعنامه‌ها، شورا متذکر اصل مسئولیت کیفری فردی شده است. به‌عنوان نمونه نگاه کنید به قطعنامه‌های ۸۰۸ (۲۲ فوریه ۱۹۹۳)، ۸۲۰ (۱۷ آوریل ۱۹۹۳)، ۸۵۹ (۲۴ اوت ۱۹۹۳)، ۹۱۳ (۲۲ آوریل ۱۹۹۴)، ۹۴۱ (۲۳ سپتامبر ۱۹۹۴)، ۱۰۱۰ (۱۰ اوت ۱۹۹۵) و ۱۰۳۴ (۲۱ دسامبر ۱۹۹۵)

بین‌الملل بشردوستانه مانند حمله به غیر رزمندگان یا به انبارها و وسایل امدادی، همه این قبیل اعمال به خصوص ممانعت از رسیدن کمک‌های پزشکی مورد نیاز به سکنه غیر نظامی مناطق درگیری را محکوم می‌کند و اعلام می‌دارند: «افراد عامل یا آمر به ارتکاب چنین اعمالی فرداً مسئول خواهند بود». در قطعنامه ۸۱۴ مصوب ۲۶ مارس ۱۹۹۳، شورا با ابراز تأسف از اعمال خشونت بار نسبت به امداد رسانان در سومالی، از همه طرف‌های درگیری می‌خواهد بی‌درنگ از ارتکاب چنین اعمالی دست بکشند و بار دیگر اصل مسئولیت کیفری فردی مرتکبان را تأیید می‌کند.

در مخاصمه داخلی خونبار در رواندا نیز شورا با تصویب قطعنامه ۹۳۵ در اول ژوئیه ۱۹۹۴، ضمن اعلام محکومیت نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و یادآوری مسئولیت فردی کسانی که تحریک به ارتکاب اعمالی چون حمله گسترده به غیرنظامیان می‌کنند یا در این حملات مشارکت می‌جویند، اعلام می‌کند: «همه کسانی که مرتکب تخلفات عمده از حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده یا اجازه آن را می‌دهند به طور فردی مسئولیت دارند و باید محاکمه شوند». در همین قطعنامه، شورا خواهان گردآوری اطلاعات در این زمینه می‌شود و دبیر کل ملل متحد را مأمور به تشکیل کمیسیونی بی‌طرف از کارشناسان می‌کند تا درباره نقض قواعد بشردوستانه در مخاصمه رواندا تحقیق کند.

در خصوص مخاصمه در افغانستان، شورا در قطعنامه ۱۱۹۳ مصوب ۲۸ اوت ۱۹۹۸، اصل مسئولیت فردی عاملان و آمران به ارتکاب تخلفات عمده از حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تکرار می‌کند. نظیر این یادآوری را در قطعنامه ۱۲۱۴ مصوب ۸ دسامبر ۱۹۹۸ باز هم می‌بینیم. در مقدمه قطعنامه، شورا با اظهار نگرانی شدید از تداوم مخاصمه افغانستان ناشی از حملات طالبان که

تهدیدی فزاینده بر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را در پی داشته و مایه رنج و عذاب شدید مردم عادی شده است، همچنین با ابراز نگرانی از بحران انسانی ناشی از اقدامات طالبان، دیگر بار می‌گوید همه کسانی که مرتکب نقض کنوانسیون‌های ژنو می‌شوند با امر به این اعمال می‌کنند، فرداً مسئول هستند.

در مخاصمات واقع در کشورهای آفریقایی مانند برون‌دی، کنگو، سیرالئون و جزآن، شورای امنیت به همین منوال عمل می‌کند که نشانگر ثبات رویه شورا در این زمینه است. در اینجا اشاره به یکی دیگر از آخرین قطعنامه‌های شورا که براساس فصل هفتم منشور صادر شده است و در آن شورا با تصمیمی قاطعانه امر به سرکوب عاملان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه کرده است، مفید و لازم به نظر می‌آید. منظور قطعنامه ۱۵۵۶ مصوب ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۴ است که در پی بحران در ناحیه دارفور (Darfur) واقع در غرب سودان به تصویب رسید.

مخاصمه‌ای که از فوریه سال ۲۰۰۳ بین شبه نظامیان عرب به ظاهر برخوردار از پشتیبانی حکومت سودان و کشاورزان سیاه‌پوست ناحیه دارفور آغاز شده بود، موجب گشت تا دبیر کل طی توافق‌نامه‌ای با مسئولان سودانی به آنها بقبولاند که این شبه نظامیان موسوم به گروه جان جاوید (Janjaweed) را خلع سلاح کنند. ولی این چنین نشد و ادامه حملات این گروه به غیر نظامیان به خصوص به زنان و کودکان موجب بحرانی گسترده شد.^۱ در اثر این حملات، نزدیک به پنجاه هزار نفر جان خود را از دست دادند و حدود یک میلیون و دویست هزار نفر مجبور به ترک کاشانه خود شده و آواره اردوگاه‌های فاقد هر گونه امکانات شدند. دویست هزار نفر نیز به خاک کشور

1 - www.guardian.co.uk/world/latest/story/0,1280,4368693,00.html, July 30, 2004.